

## بررسی تاریخ تحولات کتابهای درسی مدارس در ایران (1230-1390 ه. ش)

اسفندیار معتمدی\*

[motamedi17@hotmail.com](mailto:motamedi17@hotmail.com)

### چکیده

پس از تأسیس دارالفنون (1230 ه. ش) و ورود استادان خارجی به ایران تألیف و ترجمه کتابهای درسی با محتوای علوم و فنون که در ایران پیش از آن رواج نداشت آغاز شد. انتخاب اصطلاحات و واژه‌های علمی مناسب فارسی به جای واژه‌های خارجی نامناسب نخستین نوآوری در این کتابها بود. چهل و هشت سال بعد، با ایجاد نظام آموزشی و تأسیس دبستانها و دبیرستانها، مؤسسان، مدیران و معلمان این مدارس کتابهای درسی را منتشر کردند. پس از مشروطیت و از 1297 ه. ش، کتابهای درسی براساس برنامه وزارت معارف و با تشکیل شورای عالی معارف نوشته شد. از 1310 کتابهای دوره ابتدایی و از 1317 کتابهای دوره دبیرستان را وزارت فرهنگ و بعداً اداره نگارش منتشر می‌کرد. در 1312، دولت نظام‌نامه اداره انطباعات را از تصویب شورای معارف گذراند و تألیف کتاب درسی را نظمی نو بخشید. در سال 1320 بر اثر آشفته‌گیهای سیاسی و اقتصادی دولت تألیف و چاپ کتاب درسی را آزاد کرد. گرچه، بسیاری از دبیران و استادان دست به تألیف و ترجمه زدند، بر اثر رقابت آزاد در تألیف و چاپ کتاب درسی، کتابهای مشابهی در یک موضوع منتشر شدند که به هرج و مرج منجر شد و سرانجام حق انتشار کتابها به انحصار دولت درآمد. پس از آن، دولت با تأسیس سازمان کتابهای درسی ایران و سپس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، تألیف و انتشار کتابها را بر عهده گرفت.

### کلیدواژه‌ها

تاریخ کتابهای درسی، شورای عالی معارف، برنامه درسی، سازمان کتابهای درسی، سازمان پژوهش.

\* مؤلف کتابهای درسی و پژوهشگر تاریخ علم

تاریخ پذیرش: 1391/3/2

تاریخ دریافت: 1391/2/10

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره 25، تابستان 1391، ص 111-131

**مقدمه**

کتاب درسی یکی از مواد آموزشی نوشتاری است که براساس برنامه‌های معین و هدفهای مشخص در دسترس استفاده‌کنندگان آن قرار می‌گیرد. امروزه نوشتن کتاب درسی مانند برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و نیز تدریس آن کاری تخصصی است؛ اما در گذشته و پیش از آنکه آموزش و پرورش همگانی و حتی اجباری و مجانی شود، کتاب درسی همان کتابهای معمولی بزرگسالان بود؛ با این تفاوت که به کودکان و نوسوادان، هر بار بیش از چند سطر درس نمی‌دادند و محصل به کمک تکرار و حافظه مطالب را به ذهن می‌سپرد و به معلم تحویل می‌داد تا آنکه به تدریج خواندن و نوشتن را با زحمت فراوان فرا می‌گرفت. با تأسیس مدارس جدید، کتاب درسی متناسب با سن دانش‌آموزان و نیازهای فردی و اجتماعی آنان به تدریج تألیف شد و در وزارت آموزش و پرورش، سازمان کتابهای درسی و سپس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به وجود آمد و در دانشگاهها نیز سازمانهایی برای تهیه و تولید کتاب درسی تأسیس شد.

در سال 1389 هجری شمسی قرار شد مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه از سه مقطع (ابتدایی، پنج سال؛ راهنمایی، سه سال و متوسطه، چهارسال) به دو مقطع (شش سال ابتدایی و شش سال متوسطه) تغییر یابد. این تغییر از نظر برنامه و کتاب درسی تدریجی و عمومی است، به این ترتیب که در سال تحصیلی 1389-1390 کلاس اول ابتدایی با برنامه جدید و کتابهای جدید آغاز شد و مقرر گردید هر سال یک پایه تغییر کند و دوره شش ساله ابتدایی را شامل شود.

اکنون مشخص شده که لازم است به جای یک جلد کتاب درسی یک بسته آموزشی هم در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرد تا آنان بتوانند مفاهیم را آسان‌تر، سریع‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر یادگیرند تا ماندگاری آنها حفظ شود.

**تأسیس دارالفنون و تدوین نخستین کتابهای درسی**

با تأسیس دارالفنون در سال 1230 هجری شمسی، آموزش و پرورش رسمی و جدید در کشور ما پایه‌گذاری شد و آموزش و پرورش به شیوه سنتی نیز ادامه یافت.

عامل توجه به نوآوری و دگرگونی در آموزش و پرورش کشور، شکست فاحشی بود که در جنگهای ایران و روس دامنگیر دولت ایران شد و با بستن قراردادهای گلستان (1192 ه.ش) و ترکمانچای (1207 ه.ش) بخش بزرگی از خاک وطن جدا و به روسیه واگذار گردید؛ و داغی بر دل مردم ایران نهاد که می‌بایستی جبران می‌شد. عباس میرزا، ولیعهد، و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، صدراعظم ایران، در صدد نوسازی جامعه و

جبران این شکست برآمدند، اما اجل به عباس میرزا فرصت نداد و نادانی سلطان قاجار و دست استعمارگران، قائم مقام را از میان برداشت و این مسئولیت بزرگ را میرزا تقی خان امیر کبیر برعهده گرفت (فاسمی پویا، 1377، ص 28).

میرزا تقی خان (1174-1231 ه. ش) در دستگاه ناصرالدین شاه، ولیعهد محمدشاه، اعتبار فراوان یافت. در زمانی که او در روسیه و عثمانی مأموریت داشت تا با مدارس جدید و شیوه کار آنها آشنا شود، به این باور رسید که اگر بخواهیم کشوری مستقل و توانا داشته باشیم لازم است افرادی متخصص در علوم و فنون جدید و کارشناس و علاقه‌مند در خود کشور تربیت کنیم. امیر کبیر پس از فوت محمدشاه در سال 1227 هجری شمسی ناصرالدین شاه را با سرعت و فراست از تبریز به تهران آورد و بر تخت سلطنت نشاند و پس از آن که کشور را به آرامش رساند به نوآوریهای بزرگی در زمینه امور سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی دست زد. یکی از مهم‌ترین کارهای او تأسیس دارالفنون بود. در همین مدت امیر کبیر به میرزا جان داوود خان مسیحی مترجم دولت ایران نامه‌ای بدین صورت نوشت (یغمایی، 1376، ص 49): «شش نفر معلم که کمال مهارت و وقوف را داشته باشند از قرار تفصیل: معلم پیاده‌نظام یک نفر، معلم حکمت (طب) و جراحی و تشریحی یک نفر، معلم سواره نظام یک نفر، معلم توپخانه یک نفر، معلم هندسه یک نفر، معلم علم معادن یک نفر، ضرور در کار است. لہذا آن عالیجاه از جانب شرافت جوانب اولیای دولت علیه مأمور و مرخص است که به ممالک نمسا و پروس (اتریش و آلمان) رفته معلمهای مزبور را از قرار تفصیل فوق تا مدت شش سال اجیر کرده و با مخارج آمدن و رفتن نامه نوشته به آنها داده ... حرره فی شوال 1266».

دلیل انتخاب کشور اتریش و آلمان آن بود که از سوابق معلمان روسی، انگلیسی و فرانسوی در ایران ناراضی بود و می‌خواست که معلمان خارجی از مداخله در امور سیاسی مملکت خودداری کنند و تنها به کار تدریس بپردازند؛ برای همین از استخدام معلمان روسی و انگلیسی و فرانسوی صرف نظر کرد (آدمیت، 1380).

جان داوود خان در وین به خدمت پادشاه اتریش رفت و درخواست خود را عرضه کرد و پس از انجام کار با شش نفر معلم اتریشی و یک نفر ایتالیایی دو روز پس از عزل امیر کبیر به ایران بازگشت. این معلمان عبارت بودند از: دکتر پولاک<sup>1</sup> (معلم پزشکی)، کرشیش<sup>2</sup> (معلم توپخانه)، فوکاتی<sup>3</sup> (معلم دواسازی)، نیمرو<sup>4</sup> (معلم سواره‌نظام)، بارون

1. Dr. Polak  
2. Krziz  
3. Fochetie  
4. Nemiro

گومونس<sup>1</sup> (معلم پیاده)، کارنوتا<sup>2</sup> (معلم معدن)، ذاتی<sup>3</sup> (معلم مهندسی) (اشراقی، 1384). بعد از آنکه معلمان مزبور به دارالخلافه رسیدند و ساختمان طرف شرقی مدرسه مبارکه نیز تمام شد، روز یکشنبه، پنجم ربیع الاول 1268، یک صد نفر از اولاد شاهزادگان عظام، امرا، اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند، توسط میرزا محمدعلی خان، وزیر دول خارجه، شرف‌اندوز خاک پای مبارک شده بعد از آن به مدرسه مبارکه آمده به میمنت شروع به تحصیل کردند (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره 24، پنجشنبه 10 صفر 1268).

رشته‌های تحصیلی دارالفنون پیاده نظام (39 نفر)، سواره نظام (5 نفر)، توپخانه (26 نفر)، مهندسی (12 نفر)، طب و جراحی (20 نفر)، دواسازی (7 نفر) و معدن‌شناسی (5 نفر) بود (اشراقی، 1384، ص 29).

نخستین معلمان فرنگی که به ایران آمدند به زبان فرانسه درس می‌دادند و مترجمان ایرانی سخنان آنان را ترجمه می‌کردند؛ علاوه بر آن، این معلمان مطالب درسی را با استفاده از منابع علمی که همراه داشتند تألیف می‌کردند و مترجمان آنها را به فارسی برمی‌گرداندند. یکی از اقدامات مؤثری که معلمان، مترجمان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون انجام دادند، ترجمه و تألیف تعدادی از کتابهای درسی و مباحث علمی و نوشته‌های محققان و دانشمندان پرآوازه آن زمان بود. چند نمونه از این کتابها بدین شرح است (صدیق، 1354):

- کتابهای میرزا زکی مازندرانی راجع به توپخانه، حکمت طبیعی، مکانیک، حساب و جغرافیا.

- کتاب جراحی، نوشته دکتر پولاک.

- کتاب جبر و مقابله، ریاضی، دژسازی و توپخانه که کرشیش آنها را به رشته تحریر در آورد.

- کتاب تشریح که دکتر علی رئیس الاطباء و دکتر ابوالحسن خان نگاهشتند.

- اصول علم شیمی، نوشته کاظم محلاتی.

- کتابهای حساب، هندسه، جغرافیا و تاریخ طبیعی که استاد عبدالغفارخان

نجم‌الدوله آنها را تألیف کرد.

- فیزیوتراپی که دکتر البو<sup>4</sup> اتریشی آن را تدوین کرده است.

1. Gumonies  
2. Carnotta  
3. Zattie  
4. Elbow

- کتابهای آموزشی زبان، لغت فارسی و لغت فرانسه که میرزا علی اکبر خان مزین الدوله تألیف کرد.

کتابهای دیگری نیز تألیف و ترجمه شده‌اند که به قول پرفسور ادوارد براون<sup>1</sup> بالغ بر 162 جلد بوده که در اشاعه فرهنگ جدید اروپا و اصولاً معارف جدید تأثیر بسیاری داشته است (صدیق، 1354).

کتابهایی را که استادان خارجی می‌نوشتند و ایرانیها آنها را ترجمه می‌کردند یا استادان ایرانی تألیف می‌کردند، در چاپخانه سنگی دارالفنون چاپ می‌شدند. چاپ سنگی اولین بار به وسیله میرزا صالح تبریزی (از نخستین محصلانی که به اروپا رفته بود) در تبریز به راه افتاد و سپس در تهران و دیگر شهرهای ایران به کار گرفته شد. صنعت چاپ سنگی<sup>2</sup> مدت پنجاه سال یگانه روش چاپ در ایران بود و تا اواخر دوره قاجاریه تقریباً همه کتابهایی که در ایران به چاپ می‌رسید با چاپ سنگی بود (سلطانیفر، 1376).

از مؤلفان پرکار کتابهای درسی دارالفنون، میرزا عبدالغفار نجم الدوله (1218-1287 ه. ش) است. او ضمن شروع تحصیل در دارالفنون متوجه نقص و کمبود کتاب درسی شد و پس از 17 سالگی که تدریس خود را در آنجا آغاز کرد، به فکر تألیف کتاب درسی افتاد.

یکی از نوآوریهای مؤلفان در کتابهای درسی دارالفنون آن است که برای نخستین بار مفاهیم علمی را از یک زبان اروپایی به زبان فارسی در آوردند و اصطلاحاتی را برگزیدند و کتابهایی را چاپ کردند.

تأسیس اولیه مدارس ابتدایی و متوسطه و تدوین کتابهای درسی مربوط به  
**این مقاطع**

نخستین مدرسه ابتدایی و متوسطه در تهران در سال 1276 هجری شمسی تأسیس شد. حاج میرزا حسن رشیدی که روحانی و از پیشقدمان فرهنگ نو در ایران بود، پس از آنکه از مرکز تربیت معلم بیروت فارغ التحصیل شد، در ایروان مدرسه‌ای برپا کرد که مورد توجه

1. Edward Brown

2. فهرست کتب درسی چاپ سنگی را که تا حدود سال 1300 هجری شمسی در ایران تألیف و ترجمه و در دارالفنون و سایر مدارس ایران تدریس شده است، خانم صدیقه سلطانیفر تهیه و تنظیم کرده و آن را کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در سال 1376 چاپ و منتشر کرده است. تعداد این کتابها بالغ بر 991 جلد کتاب درسی است که در کتابخانه ملی موجود است.

قرار گرفت و سپس مدرسه‌ای در تبریز گشود. گرچه این مدرسه هم از سوی مردم استقبال شد، اما چندین بار در اثر مخالفت‌های سنت پرستان باز و بسته شد؛ آنان حتی مدرسه را با باروت و زرنیخ منفجر کردند و میرزا حسن متواری گردید تا آنکه میرزا علی‌خان امین‌الدوله که به صدارت مظفرالدین شاه رسید او را به تهران دعوت کرد و مورد حمایت قرار داد (قاسمی پویا، 1377).

حاج میرزا حسن رشديه که او را پير معارف و پدر مدرسه جديد در ايران لقب داده‌اند، علاوه بر تدریس کودکان به مردان بی‌سواد 25 تا 45 ساله هم آموزش می‌داد؛ به طوری که آنان در مدت 90 ساعت خواندن و نوشتن را فرا می‌گرفتند (قاسمی پویا، 1377). حاج میرزا حسن نخستین مؤلف کتابهای درسی ابتدایی در ایران است. از او 27 جلد کتاب چاپ شده موجود است که مهم‌ترین آنها عبارت است از (قاسمی پویا، 1377):

1. *بدایة‌التعلیم* برای نوآموزان اول ابتدایی در سه جلد (جلد اول برای دو ماه اول و جلد سوم برای پنج ماه آخر).
2. *نهایة‌التعلیم* در دو جلد (جلد اول برای درس فارسی و جلد دوم دارای مطالب علمی).
3. *کفایة‌التعلیم* برای آموزش املاء فارسی (رساله «تنبيه الغافلین» در انتهای کتاب آمده و موضوع آن درباره مشروطیت و آزادی است).
4. *هدایة‌التعلیم* برای تربیت معلم (برخی مطالب آن به مسائل سیاسی و اجتماعی اشاره داشت).
5. *اخلاق* برای ششم ابتدایی.

رشديه این کتابها را با هزینه خود چاپ می‌کرد و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد. او برای اداره مدرسه نظام‌نامه‌ای نوشت که شامل چهل و یک فصل بود و هر فصل به یک موضوع اختصاص داشت. برای مثال، در تکالیف مدیران مدارس ابتدایی می‌نویسد: مدیر مدرسه در قبول متعلم اگر فقط شهریه را منظور بدارد بسی ظلم کرده است. مدیر مدرسه باید شهریه را محض استقلال تعلیم و تربیت اخذ نماید؛ زیرا مطالبات اجرت برای تعلیم حرام است. مدیر مدرسه اگر نتواند از حالات دروس عموم متعلمین مستحضر شود، مدرسه را تعطیل نماید که وبالش تخفیف یابد (قاسمی پویا، 1377).

حاج میرزا حسن برای نظارت در مخارج پولهایی که به مدرسه می‌رسید، انجمنی به نام «امنای رشديه» تشکیل داد؛ این جمع هسته انجمن معارف شد. انجمن معارف که در سال 1276 پایه‌گذاری شد و با حضور نیرالملک وزیر علوم به وجود آمد به فعالیت‌های

متعددی از جمله تأسیس مدرسه علمیه (نخستین دبیرستان در ایران)، تألیف کتابهای درسی، تأسیس کتابخانه ملی و انتشار روزنامه دست زد. موفقیتی که انجمن معارف در تأسیس مدرسه علمیه به دست آورد و اقبال عمومی مردم به شیوه آموزشی جدیدی که رشديه پایه گذار آن بود موجب شد که مدارس زیادی با سرعت تأسیس شود، به طوری که طی چند سال در زمان مظفرالدین شاه و تا انقلاب مشروطیت بیش از 50 مدرسه جدید در تهران و شهرستانها دایر شد (معتمدی، 1383).

با تأسیس دبستانها و دبیرستانهای جدید کتابهای درسی را مؤسسان، مدیران و معلمان این مدارس انتشار می دادند. کتابهای دیگری که در دوره ابتدایی تدریس می شد، چنین بود: 1) علی در اخلاق<sup>1</sup> و اصول و فروع دین، اثر حاج میرزا یحیی دولت آبادی؛ 2) تعلیم الاطفال، اثر میرزا محمودخان مفتاح الملک برای کلاس اول؛ 3) جغرافیا، اثر محمد صفی خان؛ 4) هندسه، اثر علی خان ناظم العلوم؛ 5) فرانسه، اثر میرزا عباس قلی خان قریب؛ 6) تاریخ مختصر ایران و دوره علم فیزیک، اثر محمد علی فروغی و 7) تعلیمات ابتدایی، اثر میرزا علی اکبرخان نفیسی که در همه دبستانها تدریس می شد (قاسمی پویا، 1377).

جالب است بدانیم بعضی از این کتابها دانش آموزان را نه فقط با علوم و مهارت خواندن و نوشتن آشنا می کرد، بلکه به آنان درس زندگی و مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی می آموخت.

کتابهای دوره ابتدایی بیشتر از فرهنگ ایرانی - اسلامی مایه داشت و بر اساس سلیقه و تجارب شخصی نویسنده آنها تنظیم شده بود. مسائل یادگیری، روان شناسی و هنری هم در آنها کم و بیش مورد توجه بود.

تألیف کتابهای درسی برای دوره متوسطه چند سال پس از تأسیس دبیرستانها شروع شد و اغلب دبیران از کتابها و جزوه هایی که خود در دارالفنون داشتند در کلاس درس جزوه می گفتند و دانش آموزان آنها را می نوشتند. بعضی از دبیران هم که زبان خارجی می دانستند کتابهای اروپایی را ترجمه می کردند و فهرست مطالب همان کتابها به عنوان

---

1. دولت آبادی در این باره می گوید: این کتاب نه تنها درس شریعات مدارس را مرتب و منظم نموده بلکه به منزله سپری است برای نگهداری نمودن معارف نورس از تیره های تهمت بی دیانتی که از طرف بی دیانتهای حقیقی به جانب مؤسسين آن پرتاب می گردد. نگارنده به پاس حقوق (میرزا علی خان امین الدوله که تا این وقت در تهران است اول نسخه کتاب علی را که جلد شده به یادگاری برای او می فرستد. این کتاب انجمن معارف را تقویت می دهد، مکاتب را روح می بخشد و زبان بدخواهان را تا بک اندازه کوتاه می نماید (دولت آبادی، 1361، ص 215).

برنامه درسی پذیرفته می‌شد. از نخستین افرادی که برای دبیرستانها یک دوره کتاب فیزیک نوشت، مرحوم محمدعلی فروغی بود (فروغی، 1339 ه. ق). او ابتدا مطالب درسی فیزیک را در کلاس مدرسه علمیه می‌گفت و دانش‌آموزان جزوه‌نویسی می‌کردند؛ او یکی از همین جزوه‌ها را که کامل‌تر بود در سال 1288 چاپ و منتشر کرد.

### تأسیس وزارت علوم و تدوین کتاب درسی براساس برنامه درسی

وزارت علوم در سال 1239 شمسی تأسیس شد. نخستین وزیر آن علی‌قلی‌خان اعتضادالسلطنه بود. برخی از مسئولیت این وزارتخانه: اداره دارالفنون، توسعه مدارس، رسیدگی به اوقاف و اداره مطبوعات بود. پس از انقلاب مشروطیت (1285 ه. ش) و تصویب قانون اساسی و متمم آن نام وزارت علوم به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر یافت (یغمایی، 1357). قانون اداری این وزارتخانه در 11 شهریور 1289 و قانون اساسی معارف در 1290 از تصویب مجلس گذشت. طبق این قوانین دولت مسئولیت آموزش و پرورش را رسماً بر عهده گرفت. طبق ماده دهم قانون اداری وظایف آموزشی این وزارتخانه عبارت است از: حل غوامض امور معارف، تسویه اختلافات بین مکاتب و مدارس، رد و قبول تألیف معینه برای مدارس و مکاتب.

در قانون اساسی معارف تکالیف و وظایف وزارتخانه بسیار روشن و منظم در 28 ماده مشخص شده و برای نخستین‌بار تعلیمات اجباری، مجانی و همگانی توصیه شده است. در خصوص برنامه مدارس و کتابهای درسی مواد ذیل به تصویب رسیده است (یغمایی، 1357):

ماده 1، مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی، علمی و بدنی ابناء نوع دایر می‌گردد.

ماده 2، پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نما بدنی ملحوظ باشد.

قانون اساسی معارف در زمان وزارت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) از تصویب مجلس گذشت و بر اساس آن برنامه‌های درسی نوشته شد. در زمان همین وزیر، قانون اعزام 30 تن از جوانان مستعد کشور برای تحصیل در خارج از کشور و کسب مدارج عالی تصویب شد و مقرر گردید که 15 نفر آنان در رشته تعلیم و تربیت به تحصیل بپردازند و پس از بازگشت به کشور به معلمی مشغول شوند. طرح تشکیل دارالمعلمین و نظام‌نامه آن در همین زمان تهیه شد، اما مشکلات مالی و بی‌نظمیهای اجتماعی مانع از تأسیس

دارالمعلمین و اجرای قانون اساسی معارف شد تا آنکه نوبت وزارت به میرزا احمد خان بدر (نصیرالدوله) رسید.

«نصیرالدوله بدر برای اجرای وظایفی که قانون اداری وزارت معارف به هیئت شورای عالی معارف محول کرده بود به انتخاب اعضای شورا اقدام کرد. اعضای شورا روز چهاردهم آبان 1297 شمسی بدین شرح برگزیده شدند و روز 27 آبان با تشکیل اولین جلسه به کار آغاز کردند: نصیرالدوله (وزیر معارف)، رئیس؛ رضا قلی خان نیرالملک (معاون کل معارف)، عضو؛ دکتر اعلم‌الدوله (رئیس کل معارف)، عضو؛ شاهزاده فیروز میرزای نصرت‌الدوله (وزیر عدلیه)، عضو؛ حاجی آقا شیرازی، عضو؛ عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی، عضو؛ میرزا ابوالحسن خان فروغی، عضو و ملک الشعرا بهار، عضو» (یغمایی، 1357).

شورای عالی معارف به اقدامات مهمی دست زد که یکی از آنها اصلاح برنامه مدارس بود که برای نخستین بار در سال 1295 تدوین شده بود.

مهم‌ترین نوآوری در کتابهای درسی را در برنامه سال 1295 می‌توان دید. در این برنامه علم‌الاشیاء (علوم تجربی) و حفظ‌الصحه و اخلاق، از کلاس اول دبستان تا ششم، رسماً در برنامه آمده است. علاوه بر آن درسی به نام اعمال یدی و رسم در برنامه منظور شد که فوق‌العاده جالب است. درباره هدف از درس رسم آمده است که غرض از تعلیم این عمل، زیاد کردن قوه، دقت نظر و محکم ساختن رابطه بین قوه آمره یعنی مغز و آلت عمل یعنی دست و انگشتان است. از این راه است که طفل یاد می‌گیرد افکار و تصورات خود را از قوه به عمل آرد... (نویسی، 1377، ص 35-60).

پس از تأسیس شورای عالی معارف در سال 1297، برنامه‌های درسی مرتب مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار می‌گرفت و هر بار کتابهای درسی مطابق با برنامه جدید تغییر می‌یافت. وزارت معارف برای آنکه مشکل تأمین کتاب درسی را برطرف کند، براساس برنامه‌ای که در سال 1306 تصویب شد، تألیف کتابهای درسی ابتدایی را برعهده گرفت. از این پس کتابهای درسی دبستان با دقت تألیف شد و با تصویرهای مناسب و با کاغذ و چاپ مطلوب در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت (معمدی، 1391، ص 30 و 33).

تألیف کتابهای درسی دوره ابتدایی نتایج مطلوبی به بار آورد؛ از این‌رو، وزارت معارف در 18 بهمن 1312 نظام‌نامه اداره انطباعات را از تصویب شورای معارف گذراند و عملاً کار تألیف کتاب درسی را نظمی نو بخشید.

در سال 1320 ایران مدتی در اشغال بیگانگان درآمد و اوضاع سیاسی و اقتصادی

در آن آشفته شد، به طوری که دولت توانایی مالی چاپ کتابهای درسی را از دست داد و تألیف و چاپ کتاب آزاد شد (معمدی، 1357). چاپ آزاد کتاب درسی گرچه سبب شد بسیاری از دبیران و استادان به سوی تألیف و ترجمه گرایش یابند و کارهای ارجمندی ارائه دهند، اما آشفته‌گیهای تازه‌ای به بار آمد. به سبب وجود این به اصطلاح فضای باز رقابت آزاد در تألیف و چاپ کتاب درسی، از یک عنوان یا یک موضوع مشخص، ناشران و مؤلفان مختلف کتابهای مشابهی را چاپ و منتشر می‌کردند، به طوری که به جای 80 عنوان کتاب درسی مورد نیاز برای دوره دبیرستان، 428 عنوان کتاب چاپ شده بود (آل احمد، 1339)؛ به گونه‌ای که ادامه این رقابت آزاد به هرج و مرج منتهی شد و قانون بازار آزاد، کتاب درسی را از نظر کمی و کیفی به ابتدال کشاند.

سرانجام رقابت آزاد دوباره جای خود را به انحصار دولتی داد. در زمان وزارت پرویز ناتل خانلری دولت تألیف و نشر کتابهای درسی را بر عهده گرفت و سازمان کتابهای درسی ایران به وجود آمد. تألیف کتابهای دوره ابتدایی همچنان در اختیار وزارت فرهنگ باقی بود و از سال 1337 - 1343 به طور رایگان چاپ و توزیع می‌شد.

### تأسیس سازمان کتابهای درسی ایران

پرویز ناتل خانلری، وزیر فرهنگ، در سرآغاز کتابهای درسی دبیرستان، چاپ 1342، چنین نوشته است: در بیست سال اخیر وزارت فرهنگ تألیف و چاپ کتابهای دبیرستان را آزاد اعلام کرد، به امید آنکه با ایجاد رقابت سالم روزه‌روز کتابهای مطلوب‌تر فراهم آید.

متأسفانه به عللی نتیجه مطلوب از این تصمیم حاصل نگردید و وجود نواقص در محتویات کتابها و تنوع بیش از حد لزوم و گرانی بها و بی‌نظمی در چاپ و توزیع، موجب سرگردانی دانش‌آموزان و نارضایتی عمومی شد. اقداماتی که وزارت فرهنگ با نظارت در محتویات کتابها به وسیله کمیسیونهای مخصوص و همچنین در تثبیت قیمت آنها معمول می‌داشت با اینکه در کاستن نواقص و معایب تأثیر داشت، گره از کار نگشود. راه چاره در آن دیده شد که وزارت فرهنگ تألیف و نشر کتابها را خود در اختیار گیرد و به موجب تصویب نامه 1341/12/18 دولت انجام این وظیفه را بر عهده وزارت فرهنگ نهاد. وزارت فرهنگ با استفاده از گروههایی که برای هر درسی انتخاب کرد، از میان کتابهای موجود برای هر درس و هر کلاس فقط یک کتاب را انتخاب، چاپ و توزیع کرد.

همچنین، به دنبال تحولاتی که از سال 1957 میلادی (1336 ه. ش) در آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان به وقوع پیوست، در ایران هم تحولاتی در این زمینه

روی داد و مطالعات گسترده‌ای صورت گرفت که سرانجام به تغییر کلی نظام آموزش و پرورش منجر گردید. این تغییر نظام از سال 1350، به طور تدریجی در کشور به مرحله اجرا درآمد. در نظام جدید، هدف، برنامه و مواد آموزشی به کلی تغییر کرد. مقاطع تحصیلی از دو مقطع ابتدایی و متوسطه به سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تغییر یافت. تهیه برنامه‌ها و تعیین سرفصلهای هر ماده درسی برعهده دفتر تحقیق و برنامه‌ریزی بود و تألیف، چاپ و توزیع کتاب درسی برعهده سازمان کتاب ایران قرار داشت؛ اما با حجم کار زیاد و مسئولیت بسیار سنگین، نیروی کار ماهر بسیار اندک بود.

در نظام جدید نوآوریهای فراوانی از نظر برنامه و کتاب درسی صورت گرفت. آموزش هنر و علوم تجربی از کلاس اول ابتدایی آغاز شد. در دوره ابتدایی و راهنمایی برای هر درس علاوه بر کتاب دانش آموز، کتاب راهنمای تدریس برای معلم تألیف و توزیع شد. کتابهای درسی در یک کلاس با یکدیگر هماهنگ بودند و از میان کتابهای یک کلاس و یک درس، در طول سالها، نوعی پیوستگی منطقی به وجود آمد. اغلب کتابها به صورت رنگی چاپ می‌شد. برای تدریس در کلاسها معلمان آموزش لازم را می‌دیدند، وسایل کارگاه و آزمایشگاه فراهم بود و به طور کلی در متن دروس و تألیف کتابها تغییرات فراوانی صورت گرفت.

اما مسائل مختلف مانع از رسیدن به هدفهای نظام جدید شد. یادآوری این نکته لازم است که اصلاح نظام آموزش و پرورش کشور که از حدود سال 1342 با تشکیل شورای اصلاح نظام آموزش و پرورش به طور جدی آغاز شده بود تا مرحله تهیه برنامه تحصیلی دوره پنج ساله ابتدایی همچنان زیر نظر شورای اصلاح نظام با کیفیت مطلوبی ادامه یافت تا آنکه اصلاح نظام به تدریج از رونق افتاد و اقدامات مربوط روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر شد؛ به طوری که تهیه برنامه دوره راهنمایی تحصیلی که در حقیقت شاه بیت ترانه اصلاح نظام به شمار می‌آمد و فرایندی انقلابی و بی‌سابقه بود به دست کارشناسان با سابقه وزارت آموزش و پرورش افتاد که آنان جز در چهارچوبهای آشنای گذشته نمی‌توانستند بیندیشند. در نتیجه، جریان اصلاح نظام یکباره از سیر اصلی خود منحرف گردید؛ به طوری که نخستین گروه فارغ‌التحصیلان نظام به اصطلاح جدید که در خرداد 1357 دوره آموزش متوسطه را با موفقیت به پایان رسانده بودند نسبت به فارغ‌التحصیلان نظام سابق برتری آشکاری از خود نشان ندادند (شکوهی، 1357).

در نظام جدید، دوره راهنمایی و متوسطه با اشکالات فراوان روبه‌رو شد؛ مهم‌ترین آن کمبود دبیران آموزش دیده بود که بتوانند در جهت هدفهای جدید در دانش‌آموزان

بینش علمی به وجود آورند و مهارت‌های لازم را بیاموزانند. از سال 1353 سازمان کتاب درسی ایران با دو مشکل عمده، یکی موضوع تألیف و دیگری چاپ و توزیع کتاب مواجه شد. تألیف کتابهای درسی برای رشته‌های متنوع و متفاوت دوره متوسطه کار آسانی نبود. لازم بود که در دوره متوسطه نظری و فنی- حرفه‌ای حدود 500 عنوان کتاب طبق برنامه جدید تألیف شود. تألیف این تعداد کتاب برای نخستین بار کار آسانی نبود.

کتابهایی که در این سازمان تألیف شد از نظر درستی متن، تناسب مطالب با یادگیرنده، زیبایی چاپ و جلدبندی با کتابهای گذشته تفاوت بسیار داشت. برای مثال، در فیزیک شادروان دکتر ابوالقاسم قلمسیاه و محمدعلی پیغامی کتابهایی نوشتند که دارای مفاهیمی دقیق، انشایی روان، همراه با تمرین و فعالیت علمی و آزمایشگاهی برای دانش آموزان بود. اما مشکلات فراوانی که از نظر آموزشی و اجتماعی، به‌ویژه در آخرین سال پیش از انقلاب، به وجود آمد، چاره بر این شد که سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی تأسیس یابد و در نتیجه، سازمان کتابهای درسی ایران تعطیل شد (قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی، مصوب 1355 در سایت معاونت حقوقی و امور مجلس: <http://www.hvm.ir>).

### سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی

مسائل و مشکلاتی که سازمان کتابهای درسی با آن روبه‌رو شد و توصیه‌های یونسکو که از سالهای 1972 به بعد نوآوری را شرط لازم برای مواجهه با شرایط متغیر، به‌خصوص در آموزش و پرورش، اعلام کرده بود، سبب شد تا سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی به وجود آید.

قانون تشکیل این سازمان در تیر 1355 به تصویب رسید. طبق این قانون مقرر شد که سازمانی به وجود آید که هرگونه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی را براساس پژوهش نه بر اساس نظر افراد، حتی افراد مجرب و صاحب‌نظر، سازمان دهد. بعضی از مواد قانونی آن چنین است (سایت معاونت حقوقی و امور مجلس: <http://www.hvm.ir>):

ماده 1. به منظور تحقیق و بررسی در مسائل کیفی آموزش و پرورش و ارزیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتاب درسی و آماده‌سازی مدارس و مؤسسات آموزشی تابع وزارت آموزش و پرورش برای کاربرد وسایل و روشهای نو در جهت اعتلای کیفیت آموزش و پرورش سازمانی به نام «سازمان پژوهش و نوسازی»، که

در این قانون سازمان نامیده می‌شود، تشکیل می‌گردد.

ماده 2. وظایف سازمان عبارت است از:

1. پژوهش در محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف تحصیلی با توجه به نیازمندیهای کشور و توانایی و خصوصیات روانی دانش‌آموزان و تشخیص و تعیین هدفهای هر دوره تحصیلی و تهیه و تنظیم برنامه‌های درسی و تعیین نسبت‌های مطلوب برای تحصیلات در سطوح و رشته‌های مختلف.

2. مطالعه و تنظیم روشهای تازه در زمینه امتحانات و ارزشیابی تحصیلی.

3. تألیف، تدوین و انتشار کتب و نشریات آموزشی و کمک آموزشی برای

دانش‌آموزان، معلمان و مربیان.

4. تعیین و تهیه مواد و وسایل آموزشی و فهرست استاندارد تجهیزات و وسایل آموزشی با همکاری سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور و تهیه و تنظیم طرحهای لازم برای نوآوری در روشها و وسایل آموزشی و اجرای طرحهای آزمایشی به منظور ارزشیابی روشها و وسایل آموزشی.

5. انجام دادن تحقیقات بنیادی در زمینه بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش.

6. تربیت کارشناسان مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش و اجرای برنامه‌های

کارآموزی برای معلمان و مسئولان مدارس و مجریان مربوط ...

ماده 6. از تاریخ تشکیل این سازمان وظایف و اعتبارات و تعهدات سازمان کتابهای

درسی به این سازمان منتقل می‌شود.

به موجب مصوبه‌ای که پس از انقلاب اسلامی در 1358/12/25 به تصویب شورای

انقلاب رسید، ضمن اصلاح قسمتی از قانون تشکیل آن، «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر نام داد و از سازمانهای وابسته به آموزش و پرورش شناخته شد.

### تحول در کتابهای درسی پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، برنامه‌های درسی و به دنبال آن کتابهای درسی تغییرات پیاپی داشته است. جدول مواد درسی و امتحانی و ساعات تدریس پایه‌های تحصیلی دوره پنج ساله ابتدایی در سالهای 1359، 1365، 1368 و 1373 و دوره راهنمایی در سالهای 1359، 1366 و 1367 تغییر کرده و در سال 1382 به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است. اما به جز چند کتاب، عموماً کتابهای درسی که از سال 1345 با تغییر نظام برای دوره‌های

ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان نوشته شده بود با تغییرات جزئی و اغلب در جهت کاستن حجم مطالب تا سالهای 1370 در مدارس تدریس می‌شد. مهم‌ترین اقدام سازمان پژوهش، به‌خصوص در سالهای جنگ، چاپ و توزیع همان کتابهای درسی بود. البته آموزش و پرورش کشور همواره در تکاپو و نوآوری بوده است و در همین مدت هم افراد بسیاری تلاش داشتند و به دنبال فرصت بودند تا تغییرات لازم را در اهداف، برنامه‌ها و مواد آموزشی و روش تدریس و ارزشیابی به وجود آورند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی کار تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش کشور به گروهی انگشت‌شمار که به تدریج در نهادهای مختلف شناسایی شده بودند و با متولیان انقلاب از لحاظ طرز فکر سختی داشتند سپرده شد. همین عده سرانجام تحت فشار افکار عمومی ناگزیر شدند دست به ابتکار بی‌سابقه‌ای بزنند؛ یعنی چون قادر نبودند برای دوره راهنمایی تحصیلی که مفهوم کلیدی نظام مبتنی بر راهنمایی تحصیلی به شمار می‌آید چاره‌ای بیندیشند، به فکر افتادند قبل از حل مسئله دشوار راهنمایی تحصیلی به تأسیس نظام آموزشی متوسطه مطلوب پردازند. ناگفته پیداست که ویژگی این کار در این است که پیش از این در هیچ جای جهان سابقه نداشته است (شکوهی، 1376).

برای اصلاح برنامه‌های آموزشی در سال 1365 با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش به وجود آمد. این شورا ابتدا به مطالعه همه جانبه در امور آموزش و پرورش پرداخت و به تنظیم پیش‌نویس طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی دست زد. این طرح شامل پنج بخش بود که در آن مبانی و تربیت اسلامی، هدف کلی تعلیم و تربیت اسلامی، اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش (دوره عمومی و دوره فراگیر کاربردی - علمی) و برنامه‌ریزی ادامه کار طرح مطرح شده بود. در تیر 1368، کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش آن را تهیه کرده بود، مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت. در تابستان 1369 طرح انتقال به آموزش متوسطه مطلوب تدوین شد و از مهر 1371 برای حدود 10 درصد دانش‌آموزان پایه اول متوسطه نظام جدید به طور آزمایشی به اجرا درآمد. نوآوریهای عمده در نظام جدید متوسطه تشکیل شاخه کاردانش برای مهارت‌آموزی و تأسیس دوره‌های پیش‌دانشگاهی و کاردانی پیوسته بود (آموزش متوسطه 1372). پیش از آنکه این طرح به اجرا درآید، در معرفی و وصف آن همایشها تشکیل و کتابها و مقالاتی منتشر گردید؛ اما در عمل با مسائل و مشکلات فراوانی روبه‌رو شد. به دنبال اجرای این طرح کتابهای درسی دوره متوسطه در سالهای پس از

انقلاب دو تا سه بار تغییر کرده است. گرچه کوشش بر آن بوده که کتابهای جدید براساس فعال کردن دانش آموزان تنظیم شوند و با تمرینها و فعاليتها به جای حفظ کردن و به خاطر سپردن مفاهیم، دانش آموزان متوجه سطوح بالای یادگیری شوند، اما متأسفانه برپایی آزمون سراسری برای ورود به دانشگاهها و مدارس عالی همه هدفهای دوره متوسطه را تحت تأثیر نامطلوب خود قرار داد.

یکی از طرحها و برنامه‌های موفق در آموزش و پرورش کشور طرح آموزش علوم در دوره عمومی بود. این طرح ابتدا در دفتر تألیف و برنامه‌ریزی به صورت غیررسمی از ابتدای دهه 1370 مطرح شد و گروهی علاقه‌مند و دلسوز، شورایی به نام شورای آموزش علوم در دوره عمومی<sup>1</sup> را تشکیل دادند و پس از تلاش فراوان و مطالعه همه جانبه از آنچه داشته‌ایم و آنچه در جهان در جریان است به این نتیجه رسیدند که:

1. در دوره ابتدایی نیازی به تأکید بر آموزش مفاهیم گوناگون و کسب آگاهی علمی فراوان وجود ندارد، بلکه باید در کنار دانش‌اندوزی به پرورش مهارت‌های مطلوب در کودکان و ایجاد نگرشهای مفید در آنان پرداخت.

2. در شرایط فعلی کشور ما عاملی که بیش از هر چیز می‌تواند در تقویت روحیه علمی دانش آموزان مؤثر باشد و آنان را جستجوگر بار آورد، معلمان هستند. برنامه خوب و کتاب خوب، در صورتی به نتیجه می‌رسد و به اصطلاح فنی، برنامه‌ریزان در صورتی می‌توانند از تحقق هدفهایشان مطمئن شوند که معلمان با روشهای فعال آشنا و به آنها معتقد شوند (وزارت آموزش و پرورش، 1376).

این شورا توانست هدفهای جدید آموزشی علوم را بشناسد و بشناساند و از نیروی مؤمن و آگاه بهره‌گیرد و به تدریج معلمان را با هدفهای دانشی، توانشی و نگرشی آشنا کند و کتابهای درسی را طوری بنویسد که راهنمای دانش آموزان برای فعالیت باشند.

مهارتهایی که دانش آموزان باید بیاموزند و در این کتابها بر آنها تأکید شده است، عبارت‌اند از: مشاهده، طبقه‌بندی، اندازه‌گیری، برقراری ارتباط، تفسیر، پیش‌بینی، جمع‌آوری اطلاعات و آزمایش. برای نمونه، در کتابهای علوم تجربی کوشش بر آن است که کودکان کنجکاو، مسئولیت‌پذیر، منظم، حافظ محیط زیست و مشاور و همکار یکدیگر باشند. این برنامه هم‌اکنون بر سایر دروسهای دوره عمومی<sup>2</sup> تأثیر گذاشته است، به

1. اعضای این شورا عبارت بودند از: حسین دانشجو، محمدعلی، محمود امامی، تهرانی، اسفندیار معتمدی، طاهره رستگار و آقای حسینی.

2. منظور از دوره عمومی، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی یا تحصیلات پیش از دوره متوسطه است.

طوری که هر مؤلفی می‌کوشد کتابی بنویسد که دانش‌آموزان را در جهت یادگیری مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌ها برانگیزاند.

### نوآوری در سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی

سالها بود که کتاب درسی را به تقلید از کشورهای دیگر تألیف و یا در رشته‌های علوم و فنون کتابهایی را ترجمه می‌کردند و پس از چاپ در دسترس دانش‌آموزان قرار می‌دادند. مهم‌ترین نوآوری که اکنون در حال انجام دادن است، اصلاح و انطباق برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه رو به تحول و ایجاد تغییرات مطلوب در محتوای کتابهای درسی است؛ به طوری که قدرت ابتکار و تجزیه و تحلیل افراد را افزایش دهد و با ویژگیهای سنی و جنسی دانش‌آموزان متناسب باشد. نوآوریهای دیگر در بخش برنامه و کتاب درسی «طراحی و تولید برنامه درسی ملی»، تشکیل کمیته برنامه درسی ملی در سازمان پژوهش، تهیه خدمات تدوین سند برنامه درسی و برگزاری کارگاههای آموزشی به وسیله کارشناسان برنامه‌ریزی درسی ژاپن، انگلیس و استرالیاست. پس از سال 1380 با رویکرد تلفیق<sup>1</sup> چندین کتاب درسی برای آموزش عمومی و متوسطه تألیف شده است که نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

دوره ابتدایی: هدیه‌های آسمانی، فارسی بخوانیم و بنوسیم و هنر.

دوره راهنمایی: قرآن و آمادگی دفاعی.

دوره متوسطه نظری: دین و زندگی و آمادگی دفاعی.

دوره متوسطه فنی و حرفه‌ای: آشنایی با بناهای تاریخی، مدیریت خانواده، هزینه‌ها و

پرورش خلاقیت

مطابق برنامه جدید در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، هر کتاب درسی پیش از اینکه همگانی شود، پس از تألیف مورد ارزشیابی، اعتبار بخشی و اجرای آزمایشی قرار می‌گیرد. هنر در کتابهای درسی نقش مهمی یافته است، به طوری که هم‌اکنون روی جلد و پشت جلد کتابها طراحی می‌شود و هر کتاب تصویرهای رنگی، زیبا و متناسب با متن دارد. موضوعهای بهینه‌سازی مصرف انرژی، حفظ محیط زیست و هویت ملی در کتابهای درسی مورد توجه بوده و برای هر یک برنامه‌ریزی خاصی صورت گرفته است. برنامه‌های نقد و بررسی و پژوهش در کتابهای درسی از فعالیتهای گروههای آموزشی است و همین

1. منظور از رویکرد تلفیق تألیف یک کتاب برای چند درس نزدیک به یکدیگر است؛ مانند کتب علوم که در آن مفاهیم شیمی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی تهیه شده است.

گروهها جدول زمان‌بندی کتابها و راهنمای درسی را تهیه و زمینه لازم برای مشارکت دبیران در تألیف کتابهای درسی را فراهم کرده‌اند؛ به طوری که برای هر درس به جای یک تألیف از چند تألیف استفاده می‌شود.

### تغییر مقاطع تحصیلی و کتابهای درسی

در سال 1345 تحصیلات پیش از دانشگاه از دو مقطع ابتدایی و متوسطه به سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تغییر یافت. این تغییر به دنبال پژوهشهایی بود که بر روی نوجوانان در بعضی از کشورها صورت گرفته بود و این نتیجه حاصل شد که نوجوانان در اثر تغییر و تحولی که در غدد درونی‌شان صورت می‌گیرد از نظر بدنی و روانی به راهنمایی و مراقبتهای خاصی نیاز دارند و لازم است مقطع تحصیلی‌شان جدا از دانش‌آموزان ابتدایی باشد. در ایران هم این نظریه مورد قبول قرار گرفت و دوره راهنمایی تحصیلی با پیش‌بینیهای لازم صورت گرفت. البته در عمل مانند بسیاری از برنامه‌های دیگر با مشکلاتی مواجه شد و سرانجام به منظور بازگشت به برنامه و مقاطع تحصیلی پیش از سال 1345 تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شد.

بر اساس این برنامه تحصیلات پیش از دانشگاه، شامل دوره 6 ساله ابتدایی و 6 ساله متوسطه خواهد بود، که دوره متوسطه به دو بخش 3 ساله تقسیم می‌شود.

طبق برنامه جدید در سال تحصیلی 1390-1391 در چهارچوب «طرح تحول بنیادین» در نظام تعلیم و تربیت و طی تکالیف قانونی که برعهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی نهاده شد، کتابهای پایه اول ابتدایی با سند «برنامه درس ملی» همسوسازی شد که از بین عناوین موجود، کتابهای ریاضی و علوم دوباره تألیف و بقیه کتابها دستخوش تغییر کلی شدند. این همسوسازی موجب جهت‌گیری و برنامه‌ریزی متغیر برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی متناسب با برنامه درس ملی به منظور بهره‌مند ساختن هر چه زودتر نظام آموزشی از ایده‌های کلیدی تحول بنیادین و آماده‌سازی برای تحول در سالهای آتی است (وزارت آموزش و پرورش، 1391).

پس از آنکه کتابهای درسی کلاس اول تهیه شد و در دسترس دانش‌آموزان قرار گرفت، کتابهای درسی پایه‌های تحصیلی پایه به پایه و سال به سال به شیوه پلکانی و متوالی از پیش دبستانی به بالا مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گرفت. در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی گروههای درسی مرتبط با حوزه ابتدایی تشکیل شد. این گروهها اقدام به تولید محتوای پایه دوم نمودند که پیش‌نویس اولیه آن در اسفند 1390 تحویل دفتر چاپ و توزیع شد.

هم‌زمان با تهیه و تولید کتابهای پایه دوم، تألیف کتابهای ششم ابتدایی در برنامه قرار گرفت. این کتابها نیز در حال آماده‌سازی است؛ به طوری که در آغاز سال تحصیلی 1391-1392 در دسترس دانش‌آموزان پایه ششم قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای پایه‌های بالاتر با همین روند به تدریج صورت می‌گیرد.

#### بسته آموزشی

بسته آموزشی مجموعه‌ای از وسایل و ابزارهای دیداری و شنیداری و عملی است که به کمک آنها می‌توان یادگیری را آسان‌تر، سریع‌تر و گسترده‌تر کرد و مطالب یاد گرفته را تثبیت نمود و تعمیم داد. آموزش و پرورش در مدارس ما تاکنون به کمک یک کتاب درسی با تعداد صفحه‌های محدود صورت می‌گرفت؛ آن هم با انواع نارساییها که طی یک قرن گذشته همواره با آنها روبه‌رو بوده‌ایم. اکنون در بسیاری از کشورهای جهان به جای یک کتاب درسی از بسته آموزشی استفاده می‌شود. بسته آموزشی برای هر درس در یک پایه تحصیلی مجموعه منسجمی است از کتاب دانش‌آموز، کتاب معلم، کتاب کار و تمرین، کتاب آزمایشگاه و کارگاه و غیره. هر بسته آموزشی شامل تعدادی سی دی و دی‌وی‌دی و یک دفترچه راهنما برای معرفی انواع سایتهای مفید و کتابها و اماکن دیدنی نیز هست؛ به طوری که دانش‌آموز می‌تواند برای یادگیری از چشم و گوش و سایر حواس خود استفاده کند و مطالب مورد علاقه خود را از خواندنیها، دیدنیها و شنیدنیها انتخاب نماید.

در زمینه تهیه بسته آموزشی و بهره‌گیری از رایانه و اینترنت در مدارس، وزارت آموزش و پرورش به این اقدامات دست زده است:

1. تولید 50 عنوان نرم‌افزار آموزشی،
2. تجهیز آزمایشگاه فناوری اطلاعات در 500 مدرسه،
3. خرید تجهیزات مرکز داده رشد و طراحی فیزیکی و منطقی آن،
4. اتصال 20 هزار مدرسه به شبکه ملی اطلاعات،
5. افزایش 25 هزار عکس به گالری عکس،
6. طراحی وب سایت هدفمند کردن یارانه.
7. طراحی وب‌سایت فرهنگ وازگان یادگیری الکترونیکی،
8. افزایش مقالات شبکه رشد در بخشهای دانشنامه انجمنهای علمی و گروههای المپیاد با حدود 6 هزار عنوان در هر سال (وزارت آموزش و پرورش، 1391)

### نتیجه گیری

آموزش و پرورش و تربیت افراد سازنده، ماهر، سالم و اندیشمند که کلید حل مسائل جامعه ماست، با تأسیس دارالفنون و بعد با تشکیل مدارس و مراکز آموزشی جدید آغاز شد. این اقدام مؤثر امیرکبیر و پس از او دیگر پیشروان فرهنگی جامعه، مسائل جدید تربیت معلم، کتاب درسی، ساختمان مدرسه، ارزشیابی و غیره را به وجود آورد. اکنون جامعه ایرانی نزدیک به دو قرن است که به حل این مسائل می پردازد، اما هنوز هم با بسیاری از نارساییها و کمبودها روبه روست. در این مقاله مسائل مهم کتاب درسی، که از ارکان مهم آموزش و پرورش است، چنین بررسی شد:

1. تربیت مؤلفان کتابهای درسی. تاکنون مؤلفان کتابهای درسی همان معلمان و استادانی بودند که به صورت فردی یا جمعی به تهیه کتاب می پرداختند و اغلب جزوه هایی را که در کلاس می گفتند، ویرایش و به عنوان کتاب درسی چاپ و منتشر می کردند، ولی اکنون اندیشه تربیت مؤلفان کتابهای درسی مطرح است.

2. واژه گزینی. بسیاری از مفاهیم علوم و فنون جدید وارداتی است و اصطلاح و واژه ای برای بیان آن مفاهیم به زبان فارسی نداریم و برای رفع این مشکل در این مدت بعضی از نویسندگان به ساختن واژه های فارسی پرداخته اند و فرهنگستانهایی هم تأسیس شده اند.

3. فرآورده نه فراینده. در کتابهایی که از ابتدا به عنوان کتاب درسی رواج یافت بیشتر تلاش نویسندگان بر انتقال دستاوردهای علمی بود و کمتر به فرایند علم توجه می شد و از این رو دانش آموزان به حفظ کردن نکات مهم کتاب بسنده می کردند تا اینکه مفاهیم اصلی را دریابند و بتوانند خود به تولید علم پردازند.

ولی به هر حال در سالهای اخیر فعالیتهای علمی بخشی از محتوای کتاب درسی شده و کوشش بر این است که خواننده در یادگیری شرکت فعال داشته باشد.

4. آسان سازی کتابهای درسی. در جهت ساده نوشتن مطالب کتاب، استفاده از تصاویر روشن و رنگی و صفحه آرایبی و زیباسازی در سالهای اخیر پیشرفت قابل توجهی به وجود آمده است.

5. بسته آموزشی. اکنون طرحهایی در جریان است تا دانش آموزان به جای یک کتاب از بسته آموزشی استفاده کنند. بسته آموزشی شامل کتاب دانش آموز، کتاب کار، کتاب تمرین و مسئله و انواع فیلم و سی دی و عکس لازم خواهد بود.

با وجود همه پیشرفتهایی که در زمینه کتاب درسی داشته ایم زمانی کتاب مؤثر است

که معلم بتواند انگیزه لازم را در دانش آموز ایجاد کند و شرایطی به وجود آورد که دانش آموز به فعالیت پردازد و شخصاً آن را تجربه کند و خودآموز شود.

هر نوبت که برنامه و کتاب درسی تغییر می کند، امیدهای نو می یابیم و سخنهای تازه می شنویم. اکنون روزگار امتحان محوری، کلاس محوری، دانش آموز محوری، معلم محوری، موضوع محوری، کتاب محوری و غیره پایان یافته و عنوان «مدرسه زندگی» مطرح و همه سخنها از درس ملی و تحول بنیادین در آموزش و پرورش است.

### منابع

- آدمیت، فریدون (1380)، امیرکبیر و ایران، چاپ نهم، تهران: خوارزمی.
- آل احمد، جلال (1339)، سه مقاله دیگر.
- اشراقی، مهدی (1384)، دارالفنون: گفتاری در هویت دارالفنون و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- اقبال آشتیانی، عباس (1340)، میرزا تقی خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
- دولت آبادی، یحیی (1361)، حیات یحیی، تهران: عطار.
- وزارت آموزش و پرورش (1376)، راهنمای تدریس علوم تجربی چهارم دبستان، وزارت آموزش و پرورش.
- شکوهری، دکتر غلامحسین (1357)، «بررسی نظام جدید آموزش متوسطه»، نشریه دانشکده علوم تربیتی، شماره 2، دوره هفتم.
- \_\_\_\_\_ (1376)، «بینش علمی در برنامه ریزیهای آموزشی و درسی»، جنگ مقاله ها.
- سلطانیفر، صدیقه (1376)، فهرست کتب درسی چاپ سنگی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صدیق، عیسی (1349)، تاریخ فرهنگ ایران، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (1354)، یادگار عمر، تهران: امیرکبیر.
- فروغی، محمدعلی (1339 ق)، دوره علم فیزیک، کتابخانه ایران، طبع سیم.
- قاسمی پویا، اقبال (1377)، مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کتابی، احمد (1384)، سه اثر از نجم الدوله، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محبوبی اردکانی، حسین (1370)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، 3 جلد، تهران: دانشگاه تهران.
- معمدی، اسفندیار (1357)، «سازمان کتابهای درسی»، پلی کپی.
- \_\_\_\_\_ (1383)، «انجمن معارف»، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت»، شماره 32.
- \_\_\_\_\_ (1391)، تاریخ علم در ایران، از دوره مشروطیت تاکنون، ج 4، تهران: مهاجر
- نوابی، عبدالحسین (بهار 1377)، «دارالمعلمین عالی و پروگرام مدارس»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال دوم، شماره پنجم، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- هاشمیان، احمد (ایرج 1379)، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران: سحاب.

هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی (1357)، خطرات و خطرات، تهران: زوار.  
یغمایی، اقبال (1376)، مدرسه دارالفنون، انتشارات سردا.  
\_\_\_\_\_ (1357)، وزیران علوم، معارف و فرهنگ ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
آموزش و پرورش (1391)، 290 اقدام برای تحول بنیادین در وزارت آموزش و پرورش (ابتدای دولت دهم تا فروردین 1391)، تهران.  
برنامه درسی ملی (1388)، وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش برنامه‌ریزی.